

روسیگری در بستر توسعه ناتمام؛ ارائه یک تحلیل کیفی^۱

اسماعیل قربانی^۲

فارغ‌التحصیل دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه از دانشگاه فردوسی مشهد

مهدی کرمانی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

حسین بهروان

استاد بازنشسته گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

حسین اکبری

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد:

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۹، شماره یک: ۳۸۹-۳۶۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

پذیرش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

دریافت ۱۴۰۰/۳/۲

چکیده

این پژوهش به واکاوی پدیده روسپیگری از منظری ساختاری و مبتنی بر دیدگاه‌های عاملان اجتماعی ذی‌ربط می‌پردازد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه عمیق و مشاهده و جهت تحلیل داده‌ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. بر اساس تحلیل نظام‌مند مشاهدات و مصاحبه‌های عمیق صورت‌گرفته، روسپیگری به مجموعه عوامل و شرایطی در سطوح میانه و کلان پیوند خورده است. «ناکامی در دستیابی به توسعه فراگیر اقتصادی» اولین عامل سطح کلان است که در «کاهش پیوسته سطوح و تنوع درآمدی خانوارها» و «ازمیان‌رفتن فرصت‌های شغلی موجود و عدم جایگزینی آنها» نمود پیدا می‌کند. عامل دوم «تأخیر و عدم توازن در توسعه فرهنگی و اجتماعی» است که «فروپاشی تدریجی سامان حیات محله‌ای»، «تزلزل در نهاد خانواده» و «افول فرهنگ اخلاق عمومی» نمونه‌هایی از آثار و برونداد آن است. عامل سوم «ناپایداری انسانی و محیطی برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای» است که باعث «کیفیت‌زدایی از زیست‌بوم‌ها» و «مهاجرت‌های روستا شهری شده» است. و عامل چهارم «نقصان در کارآمدی سیستم‌های اجرایی کلان» است که منتهی به «رواج رویه‌های بروکراتیک بی‌ثمر»، «موازی‌کاری سازمانی» و «هدر رفت دائم منابع در بروکراسی متورم‌شده» گردیده است. درگیر کردن افراد آسیب‌پذیر در چرخه‌ای از فقر، بی‌پناهی و انواع بهره‌کشی‌ها از پیامدهای مهم این شرایط است. نهایتاً بر مبنای نتایج حاصل و به منظور توانمندسازی زنان روسپی ضمن پذیرش راهبردهای «فردنگر» و «خانواده‌محور» بر راهبرد «اجتماع‌محور» به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهبرد جهت توانمندسازی این زنان تأکید می‌گردد.

واژگان کلیدی: روسپیگری، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، برنامه‌های توسعه، سیستم اجرایی، توانمندسازی

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه اسماعیل قربانی با عنوان «نقد و تحلیل جامعه‌شناختی روسپیگری از منظر توسعه اقتصادی و اجتماعی و راهکارهای مداخله در آن در ایران با تأکید بر شهر بجنورد است».

۲ پست الکترونیکی نویسنده رابط، e.ghorbani1981@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

روسپیگری به‌عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده و چند سطحی مطرح است که گستره ابتلای به آن از سنین کودکی تا سالمندی را در بر می‌گیرد. بر اساس آمار منتشره در سال ۲۰۱۰ سن ورود زنان به روسپیگری در کشور انگلیس ۱۲ سال اعلام شده است. بر اساس همین آمار بیش از ۷۵ درصد زنان روسپی در انگلستان قبل از ۱۸ سالگی روسپیگری را شروع کرده‌اند و در کشورهایی همچون کانادا و آمریکا به ۱۴-۱۵ سالگی کاهش پیدا کرده است (تیلور، ۲۰۱۰).

جذابیت بازار روسپیگری و سودآوری آن باعث توسعه روزافزون این صنعت در سطح جهانی شده است و تصویب قوانین سخت گیرانه و اعمال مجازات‌های شدید هم نتوانسته جلوی پیشروی این بازار را بگیرد. در مدل سوئدی روسپیگری که با خریداران خدمات جنسی برخورد بسیار شدیدی می‌شود هرچند باعث کاهش آمار روسپیگری رسمی در سطح مراکز رسمی شده است ولی این بازار با قوت بیشتر و به صورت زیرزمینی و غیررسمی داخل آپارتمان‌ها و منازل شخصی در حال فعالیت است (سلز^۱، ۲۰۱۶).

روسپیگری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی ریشه در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد. سطح توسعه این ساختارها به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم و تأثیرگذار در فرایند شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی خصوصاً پدیده روسپیگری مطرح است که از سطوح کلان تا میانه و خرد را دربرمی‌گیرد. کاهش سرمایه اجتماعی، فقدان امنیت و رفاه اجتماعی و یا عدم برخورداری سطح وسیعی از مردم از متوسط امنیت و رفاه و مواردی از این قبیل از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری چنین مسائلی اجتماعی تلقی می‌شود (ناطق پور، ۱۳۸۶: ۶۵).

روسپیگری در کشورهای در حال توسعه به شکل گسترده و در انواع و مدل‌های مختلف رواج دارد. همچنین بخش اعظم عرضه‌کنندگان بازار روسپیگری در کشورهای توسعه‌یافته را نیز روسپیان کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کنند به طوری که عمده افراد روسپی شاغل در کشورهای توسعه‌یافته غربی از کشورهای فقیر آفریقا، آسیا و شرق اروپا قاچاق می‌شوند (سلز^۲، ۲۰۱۶). لذا یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با آسیب‌های اجتماعی خصوصاً پدیده روسپیگری شناسایی عناصر و مؤلفه‌های موجود در سطح ساختارهای کلان جامعه است که

1 Scelles

2 Scelles

باعث کندی در روند توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده و بر بروز ناهنجاری‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

در سطح جامعه مورد مطالعه یعنی شهر بجنورد وضعیت آسیب‌های اجتماعی زنان خصوصاً انحرافات جنسی و روسپیگری وضعیت نامطلوبی دارد. مطابق آمار بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۶ خراسان شمالی که استان نسبتاً کوچک و کم‌جمعیتی است از نظر آمار در زمینه روسپیگری چهارمین استان کشور به حساب می‌آید (بهزیستی کشور، ۱۳۹۷). این امر را می‌توان با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی این استان تبیین نمود؛ چه این استان از نظر نرخ بیکاری یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری در کشور را داراست و از کم‌برخوردارترین استان‌های کشور به حساب می‌آید (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان شمالی، ۱۳۹۶). در واقع سیمای اجتماعی و اقتصادی استان نشان از فقر و بیکاری گسترده در استان دارد و این امر بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله روسپیگری را در این استان تشدید می‌نماید.

بنا بر آنچه گفته شد، مهم‌ترین مسئله مورد بررسی در این مقاله ترسیم برساختی معنایی از پدیده روسپیگری در بستر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با تمرکز بر شرایط اختصاصی قلمرو و جامعه هدف مطالعه است. همچنین در حین پیشبرد این هدف تلاش می‌شود نگاهی نیز به رویه‌های موجود در زمینه توانمندسازی و بهبود کیفیت زندگی زنان روسپی به‌ویژه زنان روسپی فقیر انداخته شود و به تبع آن پیشنهادهای در راستای بهبود برنامه‌ها و اقدامات در این راستا ارائه گردد. بر این اساس پرسش‌های زیر قابل طرح است:

- مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر بروز پدیده روسپیگری در سطح کلان، میانه و خرد کدام است؟
- مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز پدیده روسپیگری در سطح کلان، میانه و خرد کدام است؟
- مهم‌ترین عوامل فرهنگی مؤثر بر بروز پدیده روسپیگری در سطح کلان، میانه و خرد کدام است؟
- رویکرد بهینه در توانمندسازی زنان روسپی کدام است؟

چارچوب مفهومی

بیشتر اندیشمندان در تعریف روسپیگری بر انجام نوعی مبادله بین دو نفر تأکید دارند. بر این اساس این اصطلاح به معامله پایاپای و بی‌بند و بارانه جنسی زنان و مردان به منظور کسب درآمد اطلاق می‌شود. در واقع روسپیگری ارائه خدمات جنسی به دیگران در مقابل دریافت پول (تیلور، ۲۰۱۰؛ قیوم، ۲۰۱۳؛ شجاعی و درویشی، ۱۳۹۵) یا جلب توجه جنسی به هدف کسب نوعی پاداش مالی از سوی فرد روسپی است (اسکات و مارشال، ۲۰۰۵). کارگران جنسی^۱ ممکن است مرد، زن یا دوجنسه باشند. بر اساس تعریف استرانگ^۲، دیوالت^۳، سایاد و یربر^۴ (۲۰۰۵) روسپیگری تبادل رفتارهای جنسی از قبیل آمیزش و معامله جنسی در برابر پول می‌باشد. به گفته آنان رایج‌ترین نوع روسپیگری به شکل تن‌فروشی زنان به مردان است و نوع دوم رایج روسپیگری آمیزش جنسی مردان با مردان، نوع سوم آن، عرضه جنسی مردان به زنان و نهایتاً همجنس‌بازی زنان با زنان است که البته به ندرت مشاهده می‌شود.

بنجامین در تعریف روسپی یا فاحشه^۵ می‌گوید: روسپی، زنی (یا به ندرت مردی) است که مخارج زندگی خود را به طور کلی یا جزئی از طریق تسلیم بدن خویش به دیگران تأمین می‌کند و باید به این تعریف افزوده شود که این روابط جنسی همگانی بدون محبت و موقتی است، وجه آن نقداً پرداخت می‌شود؛ اگر محبت زن در این امر دخالت داشته باشد فاحشگی نام نخواهد داشت. این اصطلاح تنها به کسانی اطلاق نمی‌شود که تمام عمر روسپیگری می‌کنند بلکه هر زن یا مردی که در ضمن اشتغال به کارهای دیگر، گاهگاهی با دریافت پول از بیگانگان با آنها همبستر می‌شود، باز طی مدتی که به این رفتار خود اقدام می‌کند روسپی است (بنجامین، ۱۳۴۴: ۹۰).

الکساندر^۶ (۱۹۸۷) با تأکید بر نقش جامعه و تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری انواع متفاوت روسپیگری معتقد است اگرچه روسپیگری به عنوان یک حرفه قدیمی یکی از ویژگی‌های مشترک همه جوامع در ادوار تاریخی است اما از نظر محتوا و زمینه

1 Sex workers

2 strong

3 Diwalt

4 Said and Yerber

5 Prostitute

6 ALexander

اجتماعی و فرهنگی در زمینه روسپیگری تفاوت‌هایی وجود دارد؛ تفاوت در سازماندهی اقتصادی، کاربرد هنجارهای سکس و روابط بین کاربرد اقتصادی و هویت، عواملی هستند که مفهوم و ساختار روسپیگری را درون هر فضای خاص تاریخی شکل می‌دهند. سورات^۱ (۲۰۰۵) نیز معتقد است بر خلاف تفکر رایج، روسپیان جمعیت بسیار ناهمگنی دارند و از زمینه‌های اجتماعی و محیطی بسیار متفاوتی برخوردار هستند.

نقطه اشتراک تمامی تعاریف مربوط به روسپیگری تأکید بر اجتماعی‌بودن این پدیده، نیازمندی اقتصادی فرد روسپی و انجام نوعی مبادله اقتصادی-اجتماعی است که عمدتاً بین زنان به‌عنوان عرضه‌کننده و مردان به‌عنوان مشتری صورت می‌پذیرد.

روش تحقیق

این مطالعه از لحاظ هدف پژوهش اکتشافی، از لحاظ فرایند اجرای پژوهش کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیری، از لحاظ نتایج پژوهش کاربردی و به‌لحاظ معیار زمان مطالعه مقطعی^۲ (۱۳۹۶-۱۳۹۷) می‌باشد. بر اساس رویکرد تفسیری، هدف پژوهش علمی درک و فهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل افراد است که در سطوح بالاتر کنش، تبدیل به یک سری ساختارها و واقعیت عینی کلان‌تر می‌شوند (محمد پور و ایمان، ۱۳۸۷). در میان روش‌ها و راهبردهای پارادایم تفسیری روش نظریه زمینه‌ای یکی از پر کاربردترین روش‌ها است که هدف آن تولید تئوری است؛ تئوری‌ای که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده‌است (بی، ۱۳۸۱: ۵۸۷؛ ایگان^۳، ۲۰۰۲: ۲۷۷). و لذا در این پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه تحقیق تعداد ۲۶ نفر که ۱۶ نفر از آنها از افراد درگیر در زمینه روسپیگری شامل: ۱۲ زن روسپی، ۲ نفر قواد و ۲ نفر مشتری است که از این میان روسپیان و قوادان از مراجعان بهزیستی شهرستان بجنورد بوده و مشتریان نیز با کمک قوادان و روسپیان شناسایی و با آنها ارتباط برقرار گردید. همچنین تعداد ۱۰ نفر کارشناس و صاحب‌نظر علمی-اجرایی مورد‌مصاحبه قرار گرفتند. شیوه نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری هدفمند است. بر این اساس

1 Surratt

2 Cross - sectional

3 Egan

در جلسات جداگانه به مدت ۱۸۰۰ دقیقه با افراد مشارکت‌کننده مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته و اسناد و پرونده‌های مربوط به افراد درگیر در روسپیگری مورد مطالعه قرار گرفته است تا اشباع نظری حاصل شود. برای تحلیل داده‌ها، متن مصاحبه‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مقایسه‌ای مداوم گلنر و اشتراوس و از طریق رمزگذاری مقوله‌بندی در سه مرحله باز، محوری و گزینشی کدگذاری شد و تفسیر الگوها و روابط انجام گرفت که ماحصل آن دستیابی به مفاهیم اولیه، مقوله‌های فرعی و عمده و در نهایت مقوله هسته بوده است.

برای واریسی تأییدپذیری نتایج به دست آمده، مضمون‌های استخراج‌شده و تفسیرهای مربوط به هر یک از آنها، به برخی از پاسخگویان در پنج گروه: عرضه‌کننده، دلال، متقاضی، مددکار و صاحب‌نظران، ارائه و همخوانی نسبی دریافت آنها با موارد تدوین‌شده در گزارش تحقیق کنترل شد. به جهت اطمینان یافتن از تکرارپذیری نتایج نیز، در چند مرحله از فرایند تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، کدگذاری‌های مستقلی توسط محققان انجام و نتیجه حاصل با هم مقایسه شد که در مجموع بیانگر اشتراک نسبی در الگوهای بازنمایی معانی و تفسیر متون بوده است.

یافته‌های تحقیق

بر اساس مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته با مشارکت‌کنندگان در تحقیق، یافته‌های تحقیق در ۷۰ مفهوم، ۱۸ مقوله اصلی و یک مقوله هسته کدبندی شده‌اند، که بر مبنای آن الگویی ماتریسی از شرایط و عوامل توسعه‌ای اثرگذار بر پدیده روسپیگری در سطوح کلان، میانه و خرد ترسیم و تحلیل گردیده است.

روسیگری به مثابه پیامد توسعه ناتمام: تحلیلی مبتنی بر جامعه‌شناسی توسعه

روسیگری در جامعه ایران مبتنی بر شواهد و دریافت‌های به دست آمده از قلمرو منتخب به عنوان یک مسئله اجتماعی که در قامت مشکلی چالش برانگیز زندگی افراد زیادی را با خود درگیر می‌سازد متأثر از مجموعه شرایطی در سطوح کلان، میانه و خرد است. در سطح کلان به نظر می‌رسد برای دهه‌های متوالی تجربه ایرانی از توسعه‌یابی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی توأم با آزمون و خطاها و شکست و پیروزی‌های متعددی بوده است که به طور مشخص نمی‌توان بر پیش‌بینی‌پذیر بودگی و انباشتگی پیامدهای توسعه‌ای حاصل از آن تصریح نمود. به

عبارت دیگر این فرایند چنان هزینه‌زایی به همراه داشته است که تمرکز صرف بر منفعت‌های برآمده از آن می‌تواند برداشتی کاملاً تقلیل‌گرایانه از ماحصل نهایی آن به دست دهد. در ادامه تلاش می‌شود مهم‌ترین شرایط انتزاعی کلان و مقوله‌های وابسته آنها در سطوح میانی که در غایت امر بستری مساعد برای بروز تداوم حیات مسئله اجتماعی موردنظر وحتى گسترش دامنه آن فراهم ساخته‌اند، در قالب ارائه ماتریس شرطی/پیامدی پدیده روسپیگری در جامعه ایران، مورد واکاوی بیشتر قرار گیرد.

ماتریس شرطی/پیامدی بروز پدیده روسپیگری در جامعه ایران

ماتریس شرطی/پیامدی مطابق با الگوی پیشنهادی استروس و کوربین (۱۳۸۵) دربرگیرنده مقوله‌هایی در سطوح مختلف است که دریافتی جامع از شرایط احاطه‌کننده پدیده موردنظر و عوامل مؤثر بر آن از سطح کلان تا خرد را به نمایش می‌گذارد. همچنین روابط بین عوامل انسانی و ساختاری و همچنین آمد و شدها و پیوندها بین مقولات مختلف را می‌توان در قالب این الگو جایگذاری کرد. بنابر مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت‌کنندگان و با درنظرداشتن مباحث مطرح‌شده از سوی نخبگان موردمصاحبه در قلمرو اجتماعی هدف، مدل تحلیلی حاصل که شرایط حاکم بر پدیده روسپیگری در سطح خرد و فردی را تبیین می‌کنند را می‌توان به ترتیبی که در ادامه توضیح داده خواهد شد، با مجموعه عوامل و شرایطی در سطوح میانه و کلان پیوند داد.

ناکامی در دستیابی به توسعه اقتصادی فراگیر

حداقل از دهه‌های آغازین حکوت قاجار به این سو درک عمومی و حتی نخبگانی از توسعه در جامعه ایران پیوندی با ادراکات موجود از جوامع پیشتاز غربی داشته است. مبتنی بر چنین فهمی و متناسب با اشتیاق دستیابی سریع به مظاهر مطلوب انگاشته‌شده توسعه‌یافتگی بود که به‌ویژه از آغاز دوره پهلوی به این سو وجوهی از توسعه اقتصادی به شکل یکجانبه‌نگرانه‌ای مورد توجه برنامه‌ریزان و کارگزاران اجرایی فرایند توسعه در ایران قرار گرفت. نمود غایی این «ناکامی در دستیابی به توسعه اقتصادی فراگیر» را می‌توان در «کاهش پیوسته سطوح و تنوع درآمدی خانوارها» و «ازمیان‌رفتن فرصت‌های شغلی موجود و عدم‌جایگزینی آنها» دید که در مقاطع زمانی گوناگون تا

به امروز می‌توان شاهد امواج متناوبی از آنها بود. مصاحبه‌شونده اول، اقتصاددان، در خصوص ناکامی ایران در دستیابی به توسعه اقتصادی بر بهره‌وری پایین تولید، هزینه بالای آن و تک‌محصولی بودن اقتصاد تأکید دارد. و می‌گوید:

«اقتصاد ایران به شدت وابسته به نفت است. با افزایش فروش و افزایش قیمت نفت درآمد بالایی به اقتصاد ایران تزریق می‌شود و به دنبال آن کلی طرح و برنامه جدید تعریف می‌شود و پس از کاهش درآمد حاصل از کاهش صادرات و یا کاهش قیمت آن بسیاری از طرح‌ها و برنامه ناتمام باقی می‌ماند و اقتصاد را دچار بیماری هلندی می‌کند. در واقع، خام‌فروشی و تک‌محصولی بودن باعث عدم ثبات اقتصادی شده است. از طرف دیگر عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید یکی دیگر از موانع توسعه به شمار می‌رود. در کشوری چون ترکیه در چند سال اخیر تولید دو برابر شده است اما در کشور ما رشد چندانی نداشته است. لذا تولید کم و نامناسب و بی‌کیفیت به نوبه خوبی در کاهش رشد و توسعه اقتصادی مؤثر است».

مصاحبه‌شونده دوم، متخصص در برنامه‌ریزی توسعه، نیز بر اهمیت نقش تولید تأکید دارد و

معتقد است:

«گسترش روابط بین‌المللی و ورود سرمایه‌گذار و حمایت از آن بر رونق تولید می‌افزاید. در دهه‌های گذشته کاهش تولید به دلایل مختلف بیکاری را بیشتر کرده است. هزینه‌های بالای تولید باعث ورشکستگی بسیاری از کارخانه‌ها و صنایع در داخل کشور شده و بخش اعظمی از افراد شغل خود را از دست داده‌اند. از سوی دیگر در چند دهه گذشته شاهد تورم در سطح اقتصادی جامعه بوده‌ایم که به کاهش ارزش پول ملی منجر شده است. تورم و گرانی روزافزون محصولات و خدمات باعث گسترش شکاف طبقاتی شده است. ارزش‌داری افراد طبقه بالایی جامعه بیشتر شده و طبقات پایین جامعه با مشکلات بیشتری گریبانگیر شده‌اند. زیرا در شرایط تورم و تحریم (که سال‌ها اقتصاد ما با آن درگیر بوده است) می‌توان گفت بخش خدمات از بخش صنعت هم بیشتر آسیب می‌بیند؛ مردم قدرت خریدشان کاهش پیدا کرده و بیکاری و فقر افزایش پیدا کرده است».

تأخر و عدم توازن در توسعه فرهنگی و اجتماعی

به موازات تمرکز بیش از حد بر مظاهر اقتصادی توسعه و سطحی‌نگری غیرقابل قبول نسبت به ابعاد فرهنگی، اجتماعی آن، مسئله کلان دیگری تحت عنوان «تأخر و عدم توازن در توسعه

فرهنگی و اجتماعی» را شناسایی و صورت‌بندی کرد. در همین خصوص مصاحبه‌شونده سوم مدیر ارشد در سطح استانی می‌گوید:

«در سطح کلان عدم فهم مشترک در خصوص مسائل اجتماعی و فرهنگی یکی از بزرگترین مشکلات حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه ماست. باورهای فرهنگی جامعه ما در حال حاضر دچار آشفتگی است و هماهنگی و قوام در حوزه نظری وجود ندارد. عدم فهم مشترک در سطح نظری بر روی حوزه اجرا هم تأثیر گذار بوده است. در چنین شرایطی تولید فکر تضعیف شده و آثار فرهنگی کمتری خلق شده است و لذا فرهنگ عمومی کمرنگ شده است.»

مصاحبه‌شونده پنجم، مدیر ارشد در سطح استانی نیز بر ارتباط بین فرهنگ و اقتصاد تأکید می‌کند و می‌گوید:

«مسائل و مشکلات اقتصادی بر روی فرهنگ اثر منفی دارد. بیکاری، تورم، عدم ثبات شغلی و امثال آن بر روی فرهنگ جامعه تأثیر دارد. باعث تضعیف اخلاق شده و خودشکوفایی فرهنگی و استعلای فرهنگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در حوزه اجتماعی هم تغییرات اساسی را شاهد هستیم که متأثر از تحولات جهانی است مانند تغییر در ساختار خانواده و همچنین گسترش تفکر فردگرایی که باعث بروز اشکال جدید حیات اجتماعی مانند ازدواج سفید، افزایش میزان زندگی تجردی و امثال آن در درون جامعه ما شده است.»

در واقع آنچه در اینجا حائز اهمیت و توجه است، عقب‌افتادگی جامعه در شاخص‌های توسعه فرهنگی-اجتماعی نسبت به شاخص‌های اقتصادی است. به طوری که نوعی فردگرایی مخرب و منفعت‌جویی‌های برآمده از آن در عمل سبب برهم‌خوردن سامان حیات اجتماعی و لطمه‌دیدن نهادهای اجتماعی سنتی بدون تعریف مابه‌ازاهای مدرن برای آنها می‌شود. «فروپاشی تدریجی سامان حیات محله‌ای»، «نزول در نهاد خانواده» و «افول فرهنگ و اخلاق عمومی» نمونه‌هایی از آثار و برون‌دادهای شرایط مذکور است.

ناپایداری انسانی و محیطی برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای

برای سده‌ها و چه بسا هزاره‌های طولانی، پایدارسازی شرایط زیست انسانی از طریق برقراری رابطه‌ای متوازن و متعادل با محیط طبیعی پیرامونی، از دغدغه‌های ساکنان فلات ایران بوده است. زیرا در بسیاری از بخش‌های این قلمرو گسترده جغرافیایی تأمین آب چالشی اساسی به حساب می‌آمده که غلبه بر آن صرفاً از طریق رویکردهای ثبات‌بخش و منصفانه نسبت به منابع طبیعی

موجود امکان‌پذیر می‌شده است. اما در دهه‌های اخیر به یمن درآمدهای حاصل از خام‌فروشی نفت و سایر منابع زیرزمینی که مجالی برای واردات تکنولوژی‌های غیربومی و دارای قدرت برداشت و تخریب بالا از طبیعت را فراهم ساخت، اولویت توجه به مسئله پایداری از دید کارگزاران توسعه در ایران خارج شد. این درست در حالی بوده که در جوامع توسعه‌یافته رجعتی دوباره با سطح آگاهی بالاتر و مبتنی بر آموزه‌های علمی مدرن به مقوله پایداری در رشد و گسترش بود. نتیجه آنکه درجات بالایی از «ناپایداری انسانی و محیطی برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای»، ضمن «کیفیت‌زدایی از زیست‌بوم‌ها»، موجب دامن‌زدن به جریان‌های گسترده‌ای از «مهاجرت‌های روستا شهری» شد.

در همین خصوص مصاحبه‌شونده چهارم، اقتصاددان، بر ضعف در برنامه‌ریزی و نظارت در سطح دستگاه‌های دولتی تأکید می‌کند و می‌گوید:

«هنوز جامعه ما آنقدر رشد نکرده و به بلوغ فکری نرسیده است که بخواهد بر تفکرات توسعه‌ای قدیمی غلبه کند و توسعه پایدار را جایگزین کند. استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی و سموم مختلف باعث تخریب محیط‌زیست و فرسایش زمین و خاک شده است. به طوری که بیماری‌های ناشی از مصرف محصولات آلوده بیشتر شده و همچنین اراضی کشاورزی حاصلخیزی خود را از دست داده‌اند. زمین‌های نامرغوب و در کنار آن کمبود آب باعث کاهش درآمد روستاییان شده و آنها را جهت دستیابی به مشاغل جدید روانه شهرها و حاشیه‌نشینی کرده است.»

مصاحبه‌شونده دوم متخصص برنامه‌ریزی در حوزه آمایش سرزمین، یکی از دلایل عدم توفیق در برنامه‌های توسعه‌ای را چنین تحلیل می‌کند:

«معمولاً در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور با چند مشکل اساسی مواجه هستیم. اول اینکه برنامه‌ها و بودجه‌ریزی‌های سالیانه به‌شدت وابسته به نفت است که با تغییر در قیمت و یا میزان صادرات آن اجرای برنامه‌ها هم با مشکل مواجه می‌شود. دوم اینکه این برنامه‌ها اغلب با واقعیت‌های جامعه ما سازگاری ندارد و بسیاری مواقع آرمان‌گرایانه است. و سوم اینکه استراتژی‌های توسعه در کشور ما دائماً در حال تغییر است؛ گاهی تأکید بر گردشگری می‌شود، گاهی بر کشاورزی و گاهی صنعت در اولویت قرار می‌گیرد. این مشکلات و بسیاری از مسائل دیگر باعث شده است که در تمام برنامه‌های توسعه‌ای که تا

به حال داشته‌ایم در خوش‌بینانه‌ترین حالت بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تحقق برنامه داشته‌ایم که آمار بسیار ناچیزی است».

نقصان در کارآمدی سیستم‌های اجرایی کلان

به تعبیری وبری از بوروکراسی، می‌توان آن را به‌عنوان ابزاری کاملاً عقلانی و چه‌بسا ایده‌آل برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای در نظر گرفت. اما این ابزار ایده‌آل در عالم واقع صورت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد که حتی می‌تواند کاملاً ضد توسعه‌ای عمل کند. در تجربه ایرانی از شکل‌دهی و به‌کارگیری بروکراسی مدرن از میانه دوره قاجاریه به این سو، مجموعه به‌النسبه گسترده‌ای از واحدهای دیوانسالاری پا به عرصه وجود گذاشته‌اند تا در ظاهر گرهی از کلاف سردرگم توسعه بگشایند اما در عمل آنچه رخ داد، در بسیاری از موارد منتهی به «رواج رویه‌های بروکراتیک بی‌ثمر»، «موازی کاری‌های سازمانی» و «هدر رفت دائم منابع در بروکراسی متورم‌شده» گردید. مصاحبه‌شونده هفتم مدیر ارشد در سطح استانی در این خصوص می‌گوید:

«چند مسئله اساسی در زمینه مدیریت و اجرا در سطح نظام اداری مشکل‌آفرین هستند. اول اینکه در سطح دستگاه‌های اجرایی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موازی‌کاری به یک آفت تبدیل شده است. تداخل برنامه‌ها و مسئولیت‌ها اجرای برنامه‌ها را با کندی مواجه می‌کند و باعث هدر رفت منابع می‌شود. دوم اینکه هنوز هم بسیاری از تصمیمات در سطح ملی اتخاذ می‌شود و تفویض اختیار به استان‌ها صورت نگرفته است. این امر باعث کندی در انجام امور می‌شود به طوری که برای صدور مجوز راه‌اندازی یک مرکز یا مؤسسه خاص فرد باید زمان بسیار زیادی را به انتظار بشیند».

رواج روسپیگری به‌عنوان پیامد برهم‌کنش عوامل ساختاری و شرایط انسانی

زمانی که فرایند توسعه از مدارهای کلان و میانه به سمت سطوح خرد یعنی آنجا که کنشگران انسانی در مواجهه با بروندهای آن قرار می‌گیرند، حرکت می‌کنند می‌توان سه گروه اصلی از عاملان و کنشگران اجتماعی را از یکدیگر باز شناخت. نخست آنانی که به دلیل دسترسی‌ها و نقش‌آفرینی‌های فرادستانه‌شان حدود مطلوبی از دسترسی را به مواهب توسعه می‌یابند. گروه دوم مواردی را دربرمی‌گیرد که موقعیت‌هایی مرزی را در نسبت با میزان دسترسی به مواهب توسعه اشغال کرده‌اند. این گروه هرچند در وضعیتی برزخ‌گونه قرار دارند، اما بیش و کم قادرند گلیم

خویش را از آب بیرون کشند و با فراز و فرودهایی به حیات اقتصادی اجتماعی خود ادامه دهند. گروه سوم اما دربرگیرنده آنهایی است که در فرودست‌ترین موقعیت‌ها و در دورترین نقاط نسبت به منابع ساختاری فرصت‌بخش و منفعت‌آفرین قرار گرفته‌اند. این افراد تجربه‌های دردناکی از «مواجهه با فقر اقتصادی و فرهنگی»، «بی‌پناهی در خانواده و اجتماع» و «مواجهه با انواع بهره‌کشی» از جمله نوع جنسی آن را به صورت چرخه‌هایی درخود فرو رونده دارند. بنا بر دریافت‌های حاصل در این پژوهش، آن بخشی از پدیده روسپیگری و رواج آن که در قامت یک مسئله اجتماعی دامن‌گیر جامعه مورد مطالعه شده است، در ارتباط با گروه اخیر موضوعیت می‌یابد که ذیلاً در باب فرایندها و شرایط ناظر بر رخداد آن به تفصیل مورد بررسی خواهیم داد:

بی‌پناهی اجتماعی

در شرایط توسعه نیافتگی، جامعه و به تبع آن خانواده توانایی لازم جهت حمایت از اعضاء خود را ندارد و همین امر زمینه بروز مشکلات و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد. بر اساس اطلاعات به دست آمده از مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته اکثر افراد درگیر در روسپیگری را افرادی شامل می‌شوند که از فقدان حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی لازم رنج می‌برند و به محض اینکه در روابط خانوادگی آنها خلل ایجاد می‌شود و یا اینکه مناسبات خانوادگی آنها به گونه‌ای است که توانایی ارائه حمایت لازم را ندارند، سریعاً این افراد به سمت روابط اجتماعی نامناسب و آسیب‌زا در بیرون از خانواده هدایت می‌شوند. بسیاری از این‌ها برای اولین بار توسط اعضاء خانواده مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند، مصاحبه‌شونده سیزدهم، ۲۳ ساله، می‌گوید:

«وقتی برادرم فهمید که من دوست پسر دارم و با او رابطه دارم، به من فشار آورد و گفت

باید با تو رابطه داشته باشم هر چقدر اصرار کردم که تو برادر من هستی و نباید این کار را

بکنی، به حرف من گوش نداد و من به اجبار به این رابطه تن دادم».

هنگامی که این افراد به بیرون از محیط خانوادگی جهت دریافت حمایت‌های روانی و اجتماعی هدایت می‌شوند؛ شرایط اجتماعی جامعه به نحوی است که آن‌ها را در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد شرایط اجتماعی نامناسب این افراد مانند خانواده نابسامان، فقر، بیکاری، روابط اجتماعی نامناسب و نداشتن مهارت‌های ارتباطی نامناسب باعث شده است تا این افراد چه درون خانواده و چه بیرون از آن امنیت لازم را

نداشته باشند و به راحتی گرفتار مشتریان شوند که برای ارضاء نیازهای جنسی خود به سمت این زنان گرایش پیدا می‌کنند.

رونق بهره‌کشی جنسی

مسلماً یکی از جذاب‌ترین و پرطرفدارترین بازارهای مالی در عرصه اجتماعی بازار روسپیگری است. فقر اقتصادی و عدم توسعه‌یافتگی جامعه بسیاری از زنان را به خاطر تأمین هزینه‌ای زندگی به سمت روسپیگری می‌کشاند. با وجود غیرقانونی بودن فعالیت‌های مربوط به روسپیگری در جامعه مورد مطالعه، به علت وفور عرضه و تقاضا و جاذبه‌ای که این بازار دارد، روزانه مبادلات زیادی در این حوزه صورت می‌گیرد. این روابط یا بدون واسطه و یا توسط دلالان این حوزه یعنی قوادان صورت می‌گیرد. مشتری‌ها عمدتاً مردانی هستند که یا بنا به دلایل اقتصادی و اجتماعی مجرد مانده‌اند و برای ارضاء نیازهای جنسی خود وارد این بازار شده‌اند و یا اینکه متأهل هستند و از وضعیت زناشویی خود رضایت ندارند.

عمدتاً مشتریان جهت ارضاء نیازهای جنسی خود حاضر به پرداخت هر نوع هزینه‌ایی هستند و از این موضوع رضایت کامل دارند. مصاحبه‌شونده بیست و چهارم که با زن‌های زیادی رابطه جنسی داشته می‌گوید:

«دنبال خیلی از زن‌ها که می‌افتادم نتیجه می‌گرفتم خیلی از زن‌ها به خاطر پول رابطه برقرار می‌کنند به آنها که فقیرتر بودند تا ۱۰۰ هزار تومان هم پرداخت می‌کردم.»

مطابق با نظریه ادلاند و کورن (۲۰۰۱) وفور تقاضا در بین مردان باعث رونق روسپیگری می‌شود. قوادان از طریق مدیریت این بازار توانسته‌اند درآمد بالا و نسبتاً راحتی به دست بیاورند. قوادان روسپیان را بر اساس سن و زیبایی دسته‌بندی می‌کنند و بر اساس قیمت تعیین شده به مشتریان معرفی می‌کنند و مشتریان نیز بر اساس مکتب مالی خود روسپی را انتخاب می‌کنند. مکان متفاوت است؛ گاهی منزل روسپی یا منزل مشتری یا پاتوق‌های خاص که توسط افراد دیگر مدیریت می‌شود و در قبال آن هزینه‌ایی از مشتری دریافت می‌گردد. ولی عمدتاً از منزل قواد به عنوان مکان برقراری ارتباط استفاده می‌شود. مصاحبه‌شونده بیست و پنجم که قبلاً روسپی بوده و الان به عنوان یک قواد فعالیت دارد در مورد گذشته می‌گوید:

«قبلاً نزد یک قواد به نام ... می‌رفتم او از هر مشتری ۵۰،۴۰،۳۰ تومان می‌گرفت و بیشتر آن را خودش بر می‌داشت. او هم دختر و هم مکان را برای مشتری جور می‌کرد. اگر مشتری از قیافه

روسپی خوشش نمی‌آمد خود او با وی سکس می‌کرد و پول می‌گرفت. من هم یک روز در میان به آنجا می‌رفتم و با چند مشتری سکس انجام می‌دادم و او ۵۰-۴۰ تومان به من می‌داد.»

جذابیت این بازار به حدی است که حتی در برخی از موارد زنان و دختران توسط اقوام و آشنایان خودشان به بردگی جنسی کشیده می‌شوند. مصاحبه‌شونده چهاردهم که پس از حبس ابد پدر و مادرش در منزل عمه‌اش زندگی می‌کرد در این خصوص می‌گوید:

«بعد از زندانی شدن شوهر عمه‌ام من و عمه‌ام در منزل تنها بودیم کم‌کم عمه‌ام مرا مجبور به رابطه با افراد جوان می‌کرد معمولاً از ساعت ۱۲ شب تا نزدیک صبح من مجبور بودم با چهار یا پنج نفر رابطه داشته باشم. عمه‌ام برای این کار از هر نفر حدود ۶۰ هزار تومان پول می‌گرفت و تقریباً همه را برای خود برمی‌داشت.»

فقر تشدیدشونده خانوار

فقر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین علل بروز پدیده روسپیگری در سطح جامعه است. بالابودن هزینه‌های معیشت، بی‌کاری و نداشتن شغل مناسب بسیاری از زنان و دختران را به سمت روسپیگری سوق می‌دهد. عمده این افراد که از حمایت اجتماعی لازم بی‌بهره هستند و استقلال و توانمندی لازم را ندارند به‌ناچار در ورطه بهره‌کشی جنسی و تن‌فروشی قرار می‌گیرند. بسیاری از این زنان که شرایط خانوادگی نابسامانی دارند و آرامش و امنیت لازم را در درون خانواده ندارند، از خانواده طرد شده و چون در سطح اجتماع هم لایه‌های حمایتی متناسب با مشکلات و نیازهای این افراد تعریف نشده است، ناچار به سمت بهره‌کشی جنسی هدایت می‌شوند. عمده روسپیان مشارکت‌کننده در این پژوهش از فقر اقتصادی رنج می‌برند و جهت تأمین معیشت خود مجبور به کار در محیط‌های نامناسب و آسیب‌زا شده یا اینکه مستقیماً اقدام به تن‌فروشی کرده‌اند.

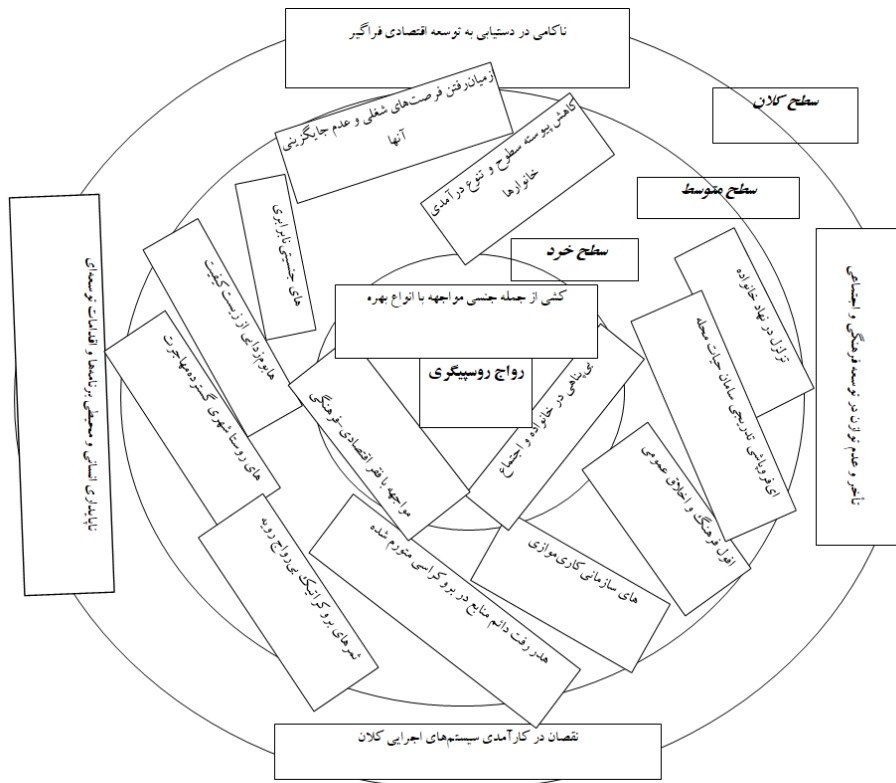
مصاحبه‌شونده بیست و ششم یکی از قوادان حرفه‌ای در این خصوص می‌گوید:

«خیلی به‌ندرت پیش می‌آید که زنان به خاطر لذت روسپیگری کنند. اکثر زنانی که با من کار می‌کنند به خاطر پول و حل مشکلات خودشان خودفروشی می‌کنند.»

از طرفی اعتیاد به‌عنوان یک آسیب اجتماعی دیگر این افراد را دچار آسیب مضاعف کرده است. بیشتر این روسپیان معتاد بوده و جهت تأمین مواد مخدر و جبران هزینه‌های آن دست به دامان قوادان و مشتریان می‌شوند. در واقع فقر، بی‌پناهی و بی‌خانمانی و ناتوانی در تأمین هزینه‌های مواد مخدر این زنان را در معرض روابط نامشروع و روسپیگری قرار داده است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس مطالعات و پژوهش‌های مختلف صورت گرفته (سایر^۱ و متز^۲، ۲۰۰۸، هارکورت^۳، ۲۰۰۵) مدل‌های مختلف روسپیگری وجود دارد که اقشار و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود. بخش عمده‌ای از روسپیگری به خاطر شرایط اجتماعی-اقتصادی نامناسب جامعه بوده و روسپیگری به‌عنوان آسیب اجتماعی زاینده شرایط ناسالم و بحرانی جامعه است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد روسپیگری پدیده‌ای اجتماعی-اقتصادی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی در سطوح کلان، میانه و خرد بروز و تداوم پیدا می‌کند (شکل ۱).



شکل ۱. ماتریس شرطی/پیامدی بروز روسپیگری در جامعه ایران مبتنی بر دریافت‌های تجربی در پژوهش حاضر

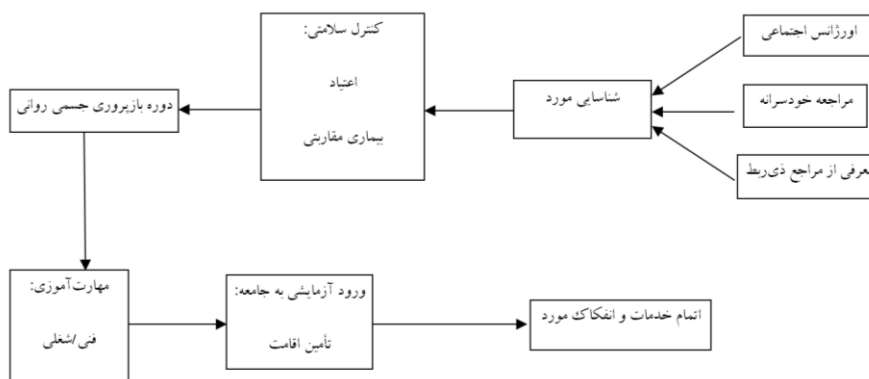
1 Sawyer
2 Metz
3 harrcourt

فرد، خانواده یا جامعه: راهبرد بهینه توانمندسازی زنان روسپی

در مواجهه با روسپیگری، به‌ویژه در گروه‌های فقیر و کمتر برخوردار رویه‌های غالب در سال‌های اخیر معطوف به پیاده‌سازی مدل‌های توانمندسازی بوده است. حال بسته به آنکه مرکز ثقل تعریف فرایند توانمندسازی معطوف به چه سطحی از کنشگری فعال و خلاق در دو سوی عامل توانمندکننده و توانمندشونده باشد می‌توان بین سه دسته از راهبردهای توانمندسازی گروه‌های در معرض مسائل اجتماعی جامعه هدف این تحقیق تمایز قائل شد. در ادامه هر یک از این سه نگاه راهبردی به اختصار شرح داده می‌شود.

راهبرد نخست: توانمندسازی فردمحور

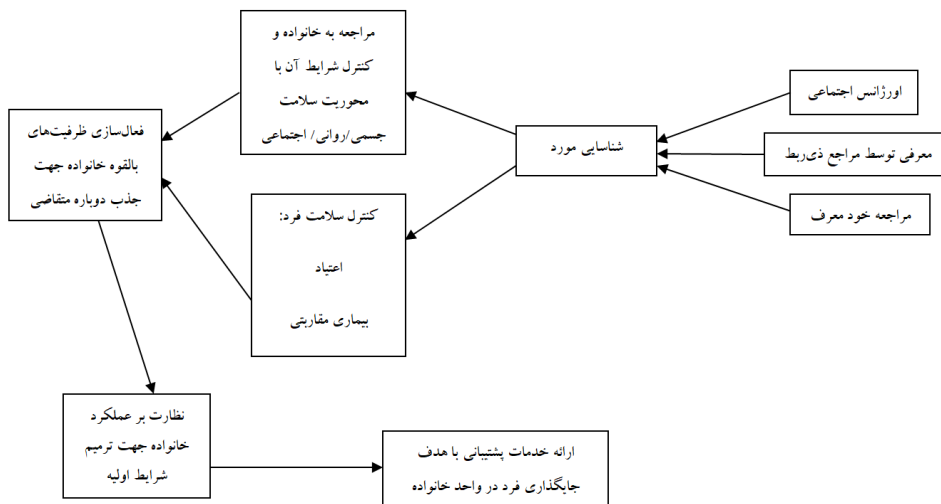
نخستین موج از مدل‌های توانمندسازی که نسبتی نیز با رونق رویکردهای معرفت‌شناختی فردگرایانه در دهه‌های پیشین و در جوامع توسعه‌یافته دارد تمرکز اصلی خود را متوجه ظرفیت‌های فردی و عوامل و شرایط محرک این ظرفیت‌ها می‌کند. از چنین منظری که هنوز نیز می‌توان حضور قدرتمندی از آن را در رویه‌های اجرایی مصوب دید، یک سازمان مداخله‌گر می‌تواند پس از شناسایی یک مورد معین (در اینجا یک زن روسپی عمدتاً فقیر)، با ارائه مجموعه‌ای از خدمات مقدماتی که عمدتاً ناظر بر احراز و یا احیاء سلامتی جسمانی و روانی وی است و تداوم این مسیر با عرضه خدمات آموزشی، مهارتی و در نهایت امکان دسترسی فرصت‌های درآمدزایی جایگزین، نسبت به توانمندسازی مراجعان و یا جامعه هدفش اقدام کند.



شکل ۲. فرایند توانمندسازی فردمحور

راهبرد دوم: توانمندسازی خانواده محور

در دومین دسته از مدل‌های توانمندسازی که در ارتباط با بهبود شرایط و کیفیت زندگی زنان روسپی فقیر و گروه‌های مشابه به کار گرفته می‌شوند، سازمان یا طرف مداخله‌گر در پی آن است تا نقطه کانونی تمرکز را از فرد به واحد خانواده منتقل نماید. بر این اساس جدا از برخی خدمات متداول و عمومی در مقیاس فردی، تلاش می‌شود تا هزینه اصلی بر ایجاد زمینه برای مشارکت فعال خانواده در مسیر توانمندسازی افراد مورد نظر قرار گیرد. این رویکرد مشتمل بر پیش فرضی کلیدی است که مطابق با آن در هر شرایطی خانواده می‌تواند به صورت بالقوه یا بالفعل قلمروی برخوردار از اولویت و مطلوبیت کافی جهت تعریف به‌عنوان بستر فرایند توانمندسازی کنشگران مورد نظر باشد.

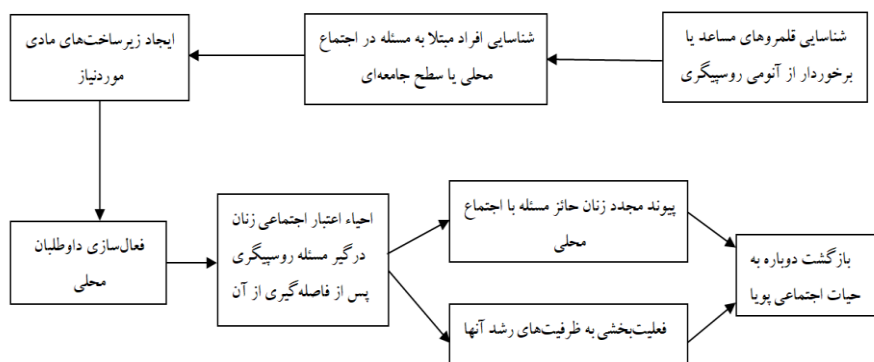


شکل ۳. فرایند توانمندسازی خانواده محور

راهبرد سوم: توانمندسازی اجتماع محور

سومین مجموعه از مدل‌های توانمندسازی که به لحاظ سابقه عرضه و به‌کارگیری در مجامع و جوامع مختلف نیز بیش و کم نوظهورتر از مجموعه‌های پیشین به نظر می‌رسند، کار در سطح اجتماع محلی و با تکیه بر ظرفیت‌های جمعی تشکیل یافته در این سطح را به‌عنوان محور اصلی

فعالیت‌های خود مطرح می‌سازند. بر این اساس سازمان یا عامل مداخله‌گر عمدتاً در قالب یک ظرفیت پشتیبان و سامان‌دهنده نیروهای تسهیل‌گری عمل می‌کند که در بستر و قلمرو اجتماعی موردنظر مواجهه مستقیم با مسئله احصاء‌شده را به پیش می‌برند. طبیعتاً در این دسته از مدل‌های راهبردی، شاخص توانمندی مشارکت و حضور فعال گروه‌های هدف در نسبتی مشابه و برخوردار از منزلتی بیش و کم متناظر با سایر اعضا اجتماع محلی موردنظر است.



شکل ۴. فرایند توانمندسازی اجتماع محور

هرچند هر یک از رویکردهای مورد اشاره در مواجهه با زنان روسپی برخوردار از ظرفیت‌های قابل‌تأملی است اما به نظر می‌رسد به سه دلیل مشخص راهبردهای جامعه‌محور از قدرت نفوذ و توان اثرگذاری بیشتر و ماندگارتری در این ارتباط برخوردار باشند. نخست اینکه روسپیگری به همان میزان که می‌تواند مسئله‌ای فردی انگاشته شود ریشه‌هایی در شرایط خانوادگی و فراتر از آن قلمرو اجتماعی پیرامونی افراد موردنظر دارد. بنابراین تمرکز بر سطوح پایین‌تر می‌تواند دستاوردهای حاصل را تحت تأثیر عوامل قرار گرفته در سطوح بالاتر خنثی سازد. دوم آنکه اساساً ظرفیت‌های پشتیبانی در سازمان‌های مداخله‌گر عمومی و دولتی تناسب کافی با ابعاد مسائل اجتماعی از قبیل پدیده روسپیگری ندارد. حتی در بسیاری از موارد می‌توان مبتنی بر نگاهی واقع‌بینانه ادعا کرد که نه تنها خود افراد که خانواده‌های آنها نیز ظرفیت‌های مازاد چندانی برای پشتیبانی از آنها در مسیر غلبه بر مشکلاتشان ندارند. در حالی که شواهد مختلف گویای برقراری چنین ظرفیت‌هایی در اجتماعات محلی و واحدهای مدنی فعال یا قابل‌فعال‌سازی در

این سطح است. در نهایت آنچه سطح جامعه‌ای را برای مداخلات توانمندسازی نسبت به دو سطح دیگر برخوردار از مزیت نسبی می‌سازد معطوف به امکان قابل توجه موجود در این سطح برای انباشت تجارب، دست‌به‌دست کردن ظرفیت‌ها و منابع موجود و به تبع آن پایدارسازی دستاوردهای حاصل از پیاده‌سازی مدل‌های توانمندسازی گروه‌های هدف از جمله زنان روسپی فقیر است.

منابع

- استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بی، ارل (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- بهزیستی خراسان شمالی (۱۳۹۸). *معاونت امور اجتماعی، سند کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی*.
- بهزیستی کشور (۱۳۹۸). *دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی معاونت امور اجتماعی، سالنامه آماری*.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- شجاعی، لیلا؛ درویشی، نسرین (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی؛ تغییرات روسپی‌گری خیابانی و روسپی‌گری مجازی در گذر زمان». *ماهنامه علوم انسانی*، ۱(۱۲).
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی (۱۳۹۶). *معاونت برنامه‌ریزی، گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵*، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی.
- صدیق سروسنانی، رحمت‌الله (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: انتشارات سمت.
- عباس‌زاده، محمد، حسین‌پور، ابراهیم (۱۳۹۰). «کاربرد تثلیث در پژوهش‌های کیفی (با تأکید بر رویکرد نظریه زمینه‌ای)»، *فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*. ۱۷(۶۷): ۱۶۶-۱۴۷.
- فارلی، ملیسا (۱۳۸۱). «روسیگری: امری مسلم بر تجاوز به حقوق بشر»، ترجمه مهدیس کامکار، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۲(۶): ۲۶۵-۲۷۴.

- کامکار، مهدیس (۱۳۸۱). «روسیگری و بی‌مبالاتی جنسی: تفاوت و تشابه»، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- کرون، جیمز (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی؛ چگونه مسائل اجتماعی را حل کنیم*. ترجمه مهرداد نوابخش و فاطمه کرمی، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- محمدپور، احمد؛ محمدتقی، ایمان (۱۳۸۷). «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورمانات تخت کردستان: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهش/رفاه اجتماعی، ۷(۲۸): ۱۹۱-۲۱۳.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۲). *بررسی آسیب‌های اجتماعی-روسیگری*، تهران: انتشارات یادآوران.
- ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۶). *رویکردی نو در آسیب‌شناسی اجتماعی از نگاه توسعه*، تهران: نشر سلمان.
- Alexander, P. (1987). Prostitutes are being Scapegoated for Heterosexual AIDS. In Delacoste and Alexander, eds., *Sex Work: Writings by Women in the Sex Industry*. Pittsburgh, Pa.: The Cleis Press.
- Chirico, A. (2014). *Prostitution as a matter of freedom* (Doctoral dissertation, LUISS Guido Carli).
- Chatterjee, P., Chakraborty, T., Srivastava, N., & Deb, S. (2006). "Short and long-term problems faced by the trafficked children: a qualitative study". *Social Science International*, 22(1), 167-182.
- Ditmore, M. H. (Ed.). (2006). *Encyclopedia of prostitution and sex work* (Vol. 1). Greenwood publishing group.
- Davis, K. (2001), "the sociology of prostitution", published by: American sociological association. Vol. 2, No. 5.
- Heiberg, T. (2011). *Exploring prostituted women's experiences of a South African exit intervention: an interpretative phenomenological analysis* (Doctoral dissertation, University of Cape Town).
- Egan, T. M. (2002). "Grounded theory research and theory building". *Advances in developing human resources*, 4(3), 277-295.
- Edlund L., Korn E. (2001). "A Theory of Prostitution". *Journal of Political Economy*. Vol. 110(1): 181-214. University of Chicago Press.
- Flick, U. (2018). *An introduction to qualitative research*. Sage Publications Limited.
- Golafshani, N. (2003). "Understanding reliability and validity in qualitative research". *The qualitative report*, 8(4), 597- 606.
- Gayen, S. (2006). "Innovative approaches to combat trafficking of women in the sex trade". *Inter-Asia Cultural Studies*, 7(2), 331-337.
- Harcourt, C., & Donovan, B. (2005). "The many faces of sex work". *Sexually transmitted infections*, 81(3), 201-206.
- Holli, A. (2004, June). Debating prostitution/trafficking in Sweden and Finland. In *Second pan-European Conference*.
- Kidd, S.A., and Kral, M.J. (2002). "Suicide and Prostitution Among Street Youth: A Qualitative Analysis". *Adolescence*, 37: 411-431

- Kara, S. (2009). *Sex trafficking: Inside the business of modern slavery*. Columbia University Press.
- Kempadoo, K., & Doezema, J. (Eds.). (2018). *Global sex workers: Rights, resistance, and redefinition*. Routledge.
- Lawson, T., Heaton, T. (1999) *Skills-Based Sociology: Crime and Deviance*, London: Macmillan Press.
- Miller, J., and Schwartz, M. D. (1995). "Rape Myths and Violence Against Street Prostitution". *Deviant Behavior*, 16 (1): 1-23.
- Oyeoku, eke kalu (2012). *Socio-Cultural and economic correlates of prostitution tendencies among university undergraduates in southeast Nigeria*, PhD thesis, Department of Educational Foundations, University of Nigeria.
- Pateman, C. (1988). *The Sexual Contract*. Stanford, Calif.: Stanford University Press.
- Prakash, H. (2013). "Prostitution and Its Impact on Society- A Criminological Perspective". *International Research Journal of Social Sciences*, 2(3), 31-39.
- Qayyum, S., Iqbal, M. M. A., Akhtar, A., Hayat, A., Janjua, I. M., & Tabassum, S. (2013). *Causes and Decision of Women's Involvement into Prostitution and its Consequences in Punjab, Pakistan*. *Academic Research International*, 4(5), 398.
- Ritchie, J. Lewis, J., Nicholls, C.M. (2013). *qualitative research practice: A guide for social science students and researcher*. Sage Publications Ltd.
- Scelles. F. (2016), *prostitution: exploitation, persecution, repression*, 4th global report, economica, Paris, France.
- Sallmann, J. (2010). "Living with stigma: Women's experiences of prostitution and substance use". *Affilia*, 25(2), 146-159.
- Scott J. and Marshall G. (2005). *Oxford Dictionary of Sociology*. New York. Oxford University Press.
- Sawyer, S. P., & Metz, M. E. (2009). "The attitudes toward prostitution scale: Preliminary report on its development and use". *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 53(3), 334-347.
- Strong, B., DeVault, C., Sayad, B. W., & Yarber, W. L. (1997). *Human sexuality: Diversity in contemporary America*. Mayfield Pub.
- Surratt, H. L., Kurtz, S. P., Weaver, J. C., & Inciardi, J. A. (2005). "The connections of mental health problems, violent life experiences, and the social milieu of the "stroll" with the HIV risk behaviors of female street sex workers". *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 17(1-2), 23-44.
- Taylor, Sophie (2010), *Independent Domestic Violence Advocates: information briefing December 2010 Prostitution and domestic violence*, in *against violence and abuse (ava)*, government office London.
- Zatz, N. D. (1997). "Sex Work/Sex Act: Law, Labor, and Desire in Constructions of Prostitution". *Signs: Journal of Women in Culture and Society*. Chicago: The University of Chicago Press. 277-304.